

ترور نافرجام حسن روحانی در سال ۵۸

۳ دی ۱۳۹۴ ساعت ۱۷:۳۲

حجت الاسلام حسن روحانی در بخشی از خاطراتش که توسط مرکز اسناد انقلاب اسلامی ضبط و ثبت شده است به جزئیاتی از تلاش دو جوان برای ترورش در سال ۵۸ می‌پردازد.

حجت الاسلام حسن روحانی در بخشی از خاطراتش که توسط مرکز اسناد انقلاب اسلامی ضبط و ثبت شده است به جزئیاتی از تلاش دو جوان برای ترورش در سال ۵۸ می‌پردازد که مشروح آن را در زیر می‌خوانید: صبح روز عید فطر - جمعه دوم شهریور ۱۳۵۸ من به یکی از مساجد محله خودمان در نیروی هوایی رفتم و پس از خواندن نماز عید به منزل برگشتم. آن روز با خانواده برای نهار منزل دایی مان آقای پیوندی دعوت داشتیم اما چون می‌خواستیم کمی مطالعه کنم قرار شد خانوم بچه‌ها زودتر بروند و من نیز هنگام ظهر به آنجا بروم.

نزدیک ساعت ۱۲ بود که می‌خواستیم برای رفتن به منزل دایی آماده شوم که ناگهان زنگ در به صدا درآمد و من برای باز کردن درب به سمت درب کوچه رفتم. هنوز درب ورودی را باز نکرده بود که شبخ جوانی را از پشت شیشه درب ورودی منزل دیدم که به نظرم مشکوک آمد و در یک لحظه از ذهنم گذشت که خوب است احتیاط کنم و در را باز نکنم.

برای من کمی عجیب بود که کسی این موقع به درب منزل ما مراجعه کند. بنابراین سریع برگشتم و کلت خودم را مسلح کردم و به پشت بام رفتم و از آنجا دیدم جوانی کنار در ایستاده و دستش زیر کاپشن است. و همچنین جوان دیگری آن طرف کوچه روی یک موتور سیکلت نشسته و گویی همراه همین جوان است. با دیدن آن دو خطاب به کسی که پشت در ایستاده بود گفتم با چه کسی کار داری؟ پاسخ داد با آقای روحانی. گفتم: ایشان خانه نیست شما که هستید و چه کاری داری؟ در آن لحظه من تقریباً مطمئن شدم که این دو برای ترور آمده‌اند و از این رو می‌خواستیم از پشت بام به سوی آنها تیراندازی کنیم که دیدم آن دو جوان به هم نگاهی کردند و کسی که پشت درب منزل ایستاده بود روی موتور پرید و با سرعت از آنجا دور شدند.

وقتی سوار موتور شدند کلت او از زیر کاپشن کاملاً نمایان شد. آن وقت دیگر کاملاً یقین کردم تروریست بودند و قصد ترور من را داشتند که به لطف خداوند از مرگ حتمی نجات یافتیم. امیدوارم خداوند اجر شهادت را به من اعطا کند و پایان زندگی من را شهادت قرار دهد.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۳۲۲۵۰/۵۸-سال-روحانی-حسن-نافرجام-ترور/>